



An Analytical-Interpretive Study of Juridical Verses Regarding Women's Freedom and Legal Dignity in an Islamic Society

Novid Abutalebi¹; Amirhossein Kermiyan²

Abstract

Among the foundational discussions of Islamic jurisprudence, women's legal status and human dignity have always been central themes for the Holy Qur'an. This research, using an analytical-interpretive approach and drawing upon authoritative Imami commentaries, seeks to answer the question of what legal system—based on dignity and justice—the Qur'an outlines in its juristic verses concerning women. Examining the *juridical verses* in two domains—financial and non-financial—shows that Islamic rulings are not merely religious commands; rather, they contain deep concepts of freedom of choice, financial independence, women's inherent dignity, and human rights. The verse on *mahr* (dower) presents it not only as the woman's exclusive and proprietary right, but also as a symbol of her status and economic independence. The verse in *Sūrat al-Nisā'* (Q 4:19) abolishes the pre-Islamic custom of "compulsory inheritance by women," thereby establishing women's freedom and agency in choosing marriage and rejecting any form of coercion or unethical appropriation of them. In the non-financial sphere, by restricting *īlā'* (oath of abstention) and nullifying the legal effect of *ḡihār*, the Qur'an frees women from a state of "suspension" and "social confinement," defending their existential dignity and independent identity. Alongside the emphasis on the oneness of creation, the Qur'anic rulings depict a human-centered and justice-based structure for the legal system of Islam in which all human beings possess inherent dignity and true worth is measured by piety. A re-reading of these verses through interpretation not only answers feminist doubts, but also provides a means to enhance women's position in contemporary society.

Keywords : Holy Qur'an; woman; human dignity; freedom; agency/choice; interpretive analysis.

1 . PhD student, Department of Theology, Kashan University, n.abutalebi@grad.kashanu.ac.ir

2 . PhD student, Department of Theology, Kashan University, amirhosseinkarimian436@gmail.com



دراسة تحليلية-تفسيرية للآيات الفقهية المتعلقة بحرية المرأة وكرامتها الحقوقية في المجتمع الإسلامي

نويد أبوطالبى^١، أميرحسين كريميان^٢

الملخص

تحتل مكانة حقوق المرأة وكرامتها موقعاً محورياً ضمن أهم مباحث الفقه الإسلامي، وقد كانت هذه المكانة دائماً من أبرز المحاور التي أولتها الآيات القرآنية الكريمة اهتماماً. يسعى هذا البحث، المعتمد المنهج التحليلي-التفسيري، مع الاستناد إلى التفاسير المعتمدة عند الإمامية، إلى الإجابة عن السؤال الآتي: ما النظام الحقوقي الذي ترسمه الآيات الفقهية القرآنية للمرأة، بوصفه قائماً على الكرامة والعدل؟ إن دراسة الآيات الفقهية في مجالين: المالي وغير المالي، تُبين أن أحكام الإسلام ليست أوامر شرعية فحسب، بل تتضمن معاني عميقة مثل حرية الاختيار والاستقلال المالي والكرامة الذاتية والحقوق الإنسانية للمرأة. فالآية الخاصة بالمهر تُقدّم المهر بوصفه حقاً اختصاصياً وتمليكاً للمرأة، كما تُعده رمزاً لمراتبها ولاتستقلالها الاقتصادي. وتُثبت آية (١٩) من سورة النساء إلغاء العرف الجاهلي المتمثل في «الإرث القسري للنساء»، فتؤسس لحرية المرأة وقرارها في شأن الزواج، وترفض أي نوع من الإكراه أو التملك غير الأخلاقي لها. وفي المجال غير المالي، يدافع القرآن عن المرأة عبر تقييد الإيلاء وإبطال الأثر الشرعي للظهار، من خلال إخراجها من وضع «التعليق» و«الحبس الاجتماعي»، والدفاع عن كرامتها الوجودية وهويتها المستقلة. وتتجلى هذه الأحكام، إلى جانب التأكيد على وحدة الخلق وكرامة جميع البشر الذاتية ومعيار التقوى، في بناء يقوم على الإنسان ويستند إلى العدل داخل النظام الحقوقي للإسلام. ويأتي هذا التناول التفسيري للآيات لا بوصفه جواباً على الشبهات النسوية فحسب، بل أيضاً بوصفه آلية لترقية مكانة المرأة في المجتمع المعاصر.

الكلمات المفتاحية: القرآن الكريم، المرأة، الكرامة الإنسانية، الحرية، الاختيار، التحليل التفسيري.

١. طالب دكتوراه، قسم الإلهيات، جامعة كاشان، n.abutalebi@grad.kashanu.ac.ir

٢. طالب دكتوراه، قسم الإلهيات، جامعة كاشان، amirhosseinkarimian436@gmail.com



بررسی تحلیلی-تفسیری آیات فقهی مربوط به آزادی و کرامت حقوقی زن در جامعه اسلامی

نوید ابوطالبی^۱، امیرحسین کریمیان^۲

چکیده

در میان مباحث بنیادین فقه اسلامی، جایگاه حقوقی و کرامت زن همواره یکی از محورهای اصلی توجه قرآن کریم بوده است. این پژوهش که با رویکرد تحلیلی-تفسیری و با استناد به تفاسیر معتبر امامیه سامان یافته، در پی پاسخ به این پرسش است که قرآن در آیات فقهی ناظر به زن چه نظام حقوقی مبتنی بر کرامت و عدالت ترسیم کرده است. بررسی آیات فقهی در دو حوزه مالی و غیرمالی نشان می‌دهد که احکام اسلام صرفاً دستورات شرعی نیستند، بلکه مفاهیم عمیقی از آزادی انتخاب، استقلال مالی، کرامت ذاتی و حقوق انسانی زن را دربردارند. آیه مهریه، آن را نه تنها حق انحصاری و مالکانه زن، بلکه نمادی از منزلت و استقلال اقتصادی او معرفی می‌کند. آیه ۱۹ سوره نساء با لغو سنت جاهلی «ارث‌بری اجباری زنان»، زمینه آزادی و تصمیم‌گیری زن در امر ازدواج را تثبیت کرده و هرگونه اکراه یا تملک غیراخلاقی بر او را رد می‌نماید. در حوزه غیرمالی، قرآن با محدود کردن ایلاء و لغو اثر شرعیظهار، زن را از وضعیت «تعلیق» و «حبس اجتماعی» رهانیده و از کرامت وجودی و هویت مستقل او دفاع کرده است. این احکام در کنار تأکید بر وحدت آفرینش، کرامت ذاتی همه انسان‌ها و معیار تقوا، ساختاری انسان‌محور و عدالت‌بنیان را در نظام حقوقی اسلام ترسیم می‌کنند. بازخوانی تفسیری این آیات، نه تنها پاسخی به شبهات فمینیستی، بلکه راهکاری برای ارتقاء جایگاه زن در جامعه معاصر است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، زن، کرامت انسانی، آزادی، اختیار، تحلیل تفسیری

۱- دانشجوی دکترا گروه الهیات دانشگاه کاشان، n.abutalebi@grad.kashanu.ac.ir

۲- دانشجوی دکترا گروه الهیات دانشگاه کاشان، amirhosseinkarimian436@gmail.com



۱. مقدمه و بیان مسئله

از دیرزمان جایگاه و نقش زن در جوامع مختلف، همواره از موضوعات چالش برانگیز و بنیادین در نظام‌های فکری و حقوقی بوده است. در دوران جاهلیت حقوق زنان به طور گسترده‌ای مورد تضییع قرار گرفته بود، اما ظهور اسلام با آموزه‌های اصلاحی خود، ساختارهای اجتماعی پیشین را به چالش کشید و با تشریع احکام فقهی منسجم، در صدد تثبیت حقوق زنان برآمد.

قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع معرفت دینی، در موارد متعدد با رویه‌های ناعادلانه رایج در جامعه جاهلی نسبت به زنان مقابله کرده و در قالب احکام حقوقی و اخلاقی، اصلاحاتی بنیادین را پیشنهاد داده است. این آیات، بر کرامت، اختیار و شایستگی‌های انسانی زن تأکید دارند. آیاتی همچون نفی ارث بردن اجباری زنان (نساء: ۱۹)، تحدید ایلاء (بقره: ۲۲۶) و لغو ظهار (مجادله: ۲ و ۳) نمونه‌های روشنی از این جهت‌گیری اصلاح‌گرانه و عدالت‌مدار قرآن می‌باشند.

این پژوهش با گرایشی تفسیری-فقهی، درصدد آن است که نشان دهد چگونه آیات یادشده دربردارنده مفاهیمی عمیق درباره آزادی، اختیار و کرامت زن در اسلام می‌باشند. با بررسی آیاتی که به وجوب نفقه و مهریه، ضوابط طلاق، منع اکراه در ازدواج، تحدید ایلاء و آزادی در ازدواج می‌پردازند، تلاش می‌شود تا ساختار حمایتی فقه اسلامی نسبت به زن را تبیین کرده و نشان داده که قرآن با اصلاح سنت‌های جاهلی، مبنایی متناسب برای کرامت و منزلت حقوقی زن در جامعه اسلامی ارائه فرموده است.

۱.۱. اهداف پژوهش

۱.۱.۱. هدف اصلی

بررسی تحلیلی-تفسیری آیات فقهی قرآن کریم به منظور تبیین جایگاه حقوقی و کرامت زن در اسلام.

۱.۱.۲. اهداف جزئی

تبیین مبانی حقوقی کرامت زن: بررسی آیات فقهی برای نشان دادن چگونه اسلام با اصلاح قوانین جاهلی، کرامت زن را در حوزه‌های مختلف تثبیت کرده است.

تحلیل حقوق مالی زن: تحلیل آیات مربوط به مهریه، نفقه و ارث، به عنوان ابزاری برای تضمین استقلال اقتصادی و کرامت حقوقی زن.

۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

در فضای امروز که مسئله حقوق زنان به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات اجتماعی و حقوقی بدل شده، تحلیل قرآنی و فقهی این حوزه ضرورتی دوجندان دارد و ارائه روایتی مستند، علمی و متکی بر منابع اصیل اسلامی، می‌تواند در تبیین دیدگاه واقعی اسلام نسبت به زن، پاسخ‌گویی به شبهات فمینیستی و ارتقای فهم دینی جامعه مؤثر باشد. زیرا با توجه به تحولات گسترده در حوزه مفاهیم حقوق زنان، جایگاه زن و نقش‌های اجتماعی او در دنیای معاصر، پرداختن به مبانی دینی در خصوص کرامت و آزادی زن از منظری علمی و تفسیری، ضرورتی انکارناپذیر یافته است.

قرآن کریم به عنوان نخستین و اصیل‌ترین منبع تفکر اسلامی، بر کرامت ذاتی انسان تأکید دارد و در این میان زن نیز همانند مرد، از این کرامت برخوردار است. از همین رو این پژوهش با هدف تحلیل تفسیری آیات فقهی ناظر به آزادی و کرامت زن، در پی آن است که با بررسی دقیق واژگان، ساختار، سیاق آیات و نیز بهره‌گیری از تفاسیر معتبر، تصویری دقیق‌تر و جامع‌تری از نگاه قرآن به جایگاه حقوقی زن در زمینه‌های مختلفی مانند حق انتخاب، مالکیت، ازدواج، طلاق و کرامت انسانی ارائه دهد. این مطالعه می‌تواند در غنای فقه زنان و بازاندیشی در برداشت‌های سنتی نقش مؤثری ایفا نماید.



مطالعه منابع و پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تاکنون تحقیق جامعی با رویکرد تحلیل تفسیری آیات فقهی قرآن کریم با تمرکز بر مفهوم آزادی و کرامت حقوقی زن صورت نگرفته است. هرچند آثار متعدد و قابل توجهی در حوزه‌ی کلی جایگاه، منزلت، تحولات تاریخی و حقوقی زنان در سنت اسلامی و سایر ادیان نگاشته شده‌اند، اما رویکردها اغلب توصیفی، تاریخی یا تطبیقی میان ادیانی بوده‌اند و کمتر به تحلیل موضوعی و تفسیری آیات فقهی در زمینه‌ی حقوق زن پرداخته‌اند.

در ادامه به برخی از پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود:

- بختیار و رضایی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقام و جایگاه زن در اسلام و مسیحیت»، با تکیه بر متون مقدس قرآن و انجیل، به مقایسه دیدگاه‌های این دو دین پرداخته‌اند. به باور ایشان، تصویر زن در مسیحیت سنتی، تابع و وابسته به مرد است، در حالی که قرآن جایگاه زن را با نگاهی جامع، متعالی و مستقل ترسیم می‌کند.
- در اثری پژوهشی از فتحیه فتاحی‌زاده، با بررسی گسترده‌ی تاریخی، سیر تطور جایگاه اجتماعی زنان در جوامع اسلامی بررسی شده است. هرچند اطلاعات تاریخی و تحلیلی قابل توجهی در اثر یافت می‌شود، اما به تحولات فکری معاصر و تأثیر جریان بیداری اسلامی بر حقوق زنان کمتر پرداخته شده است.
- مقاله‌ی کریم خانمحمدی با عنوان «تفکرات نظری پیرامون جایگاه زنان در جوامع اسلامی»، بر تبیین علل تضعیف منزلت زنان در سه سطح فرهنگی، ساختاری و سیستمی متمرکز است. نویسنده با ترجیح نظریه‌ی ساختاری، استبداد سیاسی و فساد نظام‌مند را عامل اصلی تزلزل جایگاه زنان در جوامع اسلامی معرفی می‌کند.
- در پژوهشی با عنوان «جایگاه زن در گذر تاریخ و سیری در حقوق آن» اثر حسین حیدری و یوسف ابراهیمی‌نسب، وضعیت حقوقی زن در تمدن‌های پیشااسلامی و اسلامی بررسی شده است. پژوهش با تأکید بر پیوستگی وضعیت زن با ساختار اجتماعی



هر دوره، بر شأن و حیثیت زن در نگاه اسلام تأکید می‌کند و هرگونه هتک حرمت نسبت به زن را از منظر دینی مردود می‌شمارد.

با وجود اهمیت این آثار، جای خالی پژوهشی که با رویکردی تفسیری-فقهی، موضوع محور و تحلیلی به بررسی آیات ناظر به کرامت، آزادی و حقوق شرعی زن در قرآن کریم بپردازد، همچنان احساس می‌شود. پژوهش حاضر در تلاش است تا با تمرکز بر تفاسیر در ذیل آیات فقهی، جایگاه زن را در چارچوب تشریعی قرآن و براساس اصول عدالت، کرامت انسانی و قواعد تفسیری تحلیل کرده و خلأ نظری موجود را تا حد امکان مرتفع سازد.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

احکام فقهی قرآن، به ویژه در حوزه‌های مالی و غیرمالی، چگونه در راستای کرامت و آزادی زن عمل کرده‌اند؟

سؤالات جزئی

با توجه به آیات فقهی، حقوق مالی زن (مانند مهریه، نفقه و ارث) چه تأثیری در ارتقای منزلت او داشته است؟
احکام غیرمالی قرآن (مانند طلاق، ایلاء و ظهار) چگونه با سنت‌های جاهلی مقابله کرده و کرامت حقوقی زن را احیا کرده‌اند؟

۱.۵ ادبیات نظری

۱.۵. مبانی انسان‌شناختی قرآن درباره زن

قرآن کریم کرامت و حقوق زن را بر مبنای انسان‌شناختی محکمی بنا نهاده است که اساس آن، دیدگاه برابر و مشترک نسبت به آفرینش زن و مرد است. این رویکرد، به





صورت بنیادین با دیدگاه‌های تحقیرآمیز جوامع پیش از اسلام که زن را موجودی فروتر یا در مرتبه ثانوی می‌دانستند، در تضاد است.

وحدت در آفرینش: قرآن در آیات متعدد، بر اصل «آفرینش از یک نفس واحد» تأکید می‌کند. آیه ۱ سوره نساء با صراحت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا»؛ (ای مردم، از پروردگارتان بترسید، آن که شما را از یک نفس آفرید و همسر او را نیز از آن آفرید). علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیه، نفس واحد را اشاره به حقیقت مشترک انسانی می‌داند و خلق «زوج» از آن را نشانه‌ای از این می‌داند که زن و مرد هر دو از یک جوهر و از یک حقیقت واحد آفریده شده‌اند و هیچ یک از دیگری برتر نیستند. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴/۲۱۴). این دیدگاه هرگونه توجیه نظری برای تبعیض جنسیتی را از ریشه نفی می‌کند.

کرامت ذاتی و تقوای اکتسابی: قرآن کریم کرامت را ناشی از جنسیت نمی‌داند، بلکه آن را امری ذاتی برای تمام انسان‌ها تلقی می‌کند. آیه ۷۰ سوره اسراء با عبارت «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (و ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم...) کرامت ذاتی را شامل زن و مرد به صورت یکسان می‌داند. در کنار این کرامت ذاتی، قرآن معیار فضیلت و ارزشمندی را تقوا معرفی می‌کند، که یک امر اکتسابی است و به جنسیت وابسته نیست. آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاهُمْ» (همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست). این اصل بنیادین، هرگونه تفاوت در حقوق و جایگاه اجتماعی را بر اساس جنسیت باطل می‌داند و اساس برتری را تنها بر کمال اخلاقی و معنوی بنا می‌نهد.

۲.۵. کرامت ذاتی انسان و شمول آن بر زن

زن در قرآن به مثابه انسانی برخوردار از کرامت ذاتی، مسئولیت اخلاقی و اهلیت حقوقی معرفی شده است. این مبنا، زمینه‌ساز تأویل‌هایی است که آزادی و کرامت زن را نه امری ثانوی، بلکه اصیل در شریعت می‌دانند. قرآن تصریح دارد: «ما فرزندان آدم را

بسیار گرامی داشتیم» (اسراء: ۷۰) و نیز: «ما انسان را در بهترین تقویم آفریدیم» (تین: ۴)؛ که شامل مرد و زن به طور یکسان است.

این آیات نشان می‌دهد که «کرامت ذاتی» در نظام فکری قرآن، مبتنی بر نوع انسان است، نه جنسیت خاص. لذا از نظر قرآن، زن و مرد هر دو از مقام انسانی برابر برخوردارند و تفاوت جنسیتی در ارزش بنیادین خلقت مؤثر نیست.

۳.۵. نفی تبعیض جنسیتی در آیات آغازین خلق

خداوند در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات چنین می‌فرماید: «... ما شما را از مرد و زن آفریدیم و به شکل ملّت‌ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید گرامی‌ترتان در نزد خدا پرهیزگارترین شماست به یقین، خدا دانا و آگاه است». این آیه جدایی نژادی یا جنسیتی را نفی کرده و معیار ارزشمندی انسان را تقوا قرار می‌دهد، نه جنس. بنابراین کرامت انسانی به طور مطلق بر نوع انسان صدق می‌کند و شامل زن و مرد است و معیار ارزش در نزد خدا تقوا است، نه جنس یا نژاد و هیچ تبعیض جنسیتی مشروع نیست.

۳.۶. مفهوم آیات فقهی

در این پژوهش منظور از آیات فقهی، صرفاً آیاتی که احکام و قوانین حقوقی را بیان می‌کنند، نیست. بلکه به آیاتی اشاره دارد که هرچند در ظاهر یک حکم شرعی (مانند لزوم پرداخت مهریه یا نفقه) را وضع می‌کنند، اما در بطن خود، مبانی عمیق‌تر و ارزش‌های والایی چون کرامت انسانی، عدالت و آزادی را نیز دربردارند.

به عبارت دیگر، ما با رویکردی تحلیلی-تفسیری، به این آیات می‌نگریم تا نشان دهیم که چگونه این احکام فقهی نه تنها تکلیف شرعی را مشخص می‌کنند، بلکه به عنوان ابزاری برای پاسداشت مقام انسانی زن و اصلاح روابط اجتماعی ناعادلانه عمل کرده‌اند. برای مثال، حکم به وجوب مهریه (نساء: ۴)؛ فراتر از یک تعهد مالی، به عنوان





تضمینی برای استقلال اقتصادی و منزلت حقوقی زن تلقی می‌شود. بنابراین، تحلیل این آیات به ما کمک می‌کند تا چهره‌ای منسجم و عادلانه از آموزه‌های قرآنی در حوزه حقوق زنان ارائه دهیم.

۶. تحلیل تفسیری آیات فقهی مربوط به آزادی و کرامت حقوقی زن در قرآن کریم (با تأکید بر احکام مالی)

یکی از محورهای اساسی نظام حقوقی قرآن، تأکید بر استقلال اقتصادی و عزت نفس از رهگذر احکام مالی همچون مهریه و نفقه است. برخلاف تلقی‌های عرفی یا تقلیل‌گرایانه، این احکام نه بر پایه ترحم، بلکه با رویکردی عدالت‌محور و حفظ کرامت انسانی زن تشریع شده‌اند. لذا حمایت مالی از زن در قرآن کریم، صرفاً از منظر ترحم یا توصیه اخلاقی مطرح نشده است؛ بلکه در قالب تضمین کرامت حقوقی و انسانی زن و استقرار عدالت تشریعی تنظیم شده است. این حمایت‌ها با توجه به شرایط خاص زنان در ساختار اجتماعی و حقوقی اسلام، به منظور تأمین استقلال اقتصادی و امنیت مالی آنان مقرر گردیده است. در این بخش، با استفاده از منابع تفسیری معتبر و متون فقهی، ابعاد مختلف این حمایت‌ها در آیات قرآن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

در این بخش آیات فقهی قرآن کریم که به احکام حقوقی زنان می‌پردازند، بر اساس موضوع به دو دسته مباحث مالی و مباحث غیرمالی تقسیم شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. هدف این رویکرد تبیین سازوکار اصلاحی قرآن در مواجهه با قوانین و سنت‌های جاهلی و نشان دادن چگونه این احکام در راستای احیای کرامت و منزلت حقوقی زن عمل کرده‌اند.

۱.۶. مباحث مالی: پایه‌های استقلال و کرامت اقتصادی

احکام مالی در قرآن فراتر از مقررات صرف، به عنوان ابزاری بنیادین برای تضمین استقلال اقتصادی و منزلت حقوقی زن تلقی می‌شوند. این احکام سنت‌های دوران

جاهلیت را که زن را فاقد هرگونه حق مالی می دانستند به کلی دگرگون کرده و مالکیت مستقل او را به رسمیت شناختند.

مهریه: در عصر جاهلیت مهریه نه به زن بلکه به ولی او تعلق داشت و از آن به عنوان بهای معامله یاد می شد. اسلام با حکم صریح قرآنی، این رویه را لغو و مهریه را حق اختصاصی و «هدیه» ای از جانب خداوند برای زن معرفی کرد. آیه ۴ سوره نساء با عبارت «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...» (و مهریه زنان را به عنوان عطیه ای از روی طیب خاطر به آنان بپردازید...)، به روشنی بر استقلال مالی زن و حق او در مالکیت و تصرف در اموالش تأکید می کند. مفسران بزرگی همچون علامه طباطبائی در المیزان و شیخ طبرسی در مجمع البیان این آیه را دلیلی بر مالکیت مستقل زن بر مهریه و استقلال مالی او دانسته اند.

این آیه که مردان را موظف می داند حتی اگر طلاق پیش از آمیزش باشد، نصف مهریه تعیین شده را به زن پرداخت کنند نشانگر آن است که این حکم مالی فراتر از یک تعهد قراردادی صرف است و نشان دهنده اهمیت معنوی و حقوقی زن در ساختار خانواده و جامعه اسلامی است. این آیه شریفه بر چند نکته اصلی تأکید دارد: ۱. رعایت حقوق زنان طلاق داده شده ۲. تأکید بر رعایت اخلاق و حفظ کرامت انسانی در روابط اجتماعی به خصوص در مسأله ی طلاق. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۲۹/۲)

در فقه امامیه اصل استحقاق زن به مهریه پس از جاری شدن عقد پذیرفته شده و مهریه به عنوان تضمین استقلال مالی زن محسوب می شود؛ بنابراین هرگونه اجبار زن به بخشش مهریه بدون رضایت او، فاقد اعتبار شرعی است (پارسا، ۱۳۸۱). این موضوع تبلور احترام شرعی و کرامت انسانی زن است که مهریه را نه تنها یک مبادله مالی بلکه تضمین حق و منزلت وی معرفی می کند.

نفقه: قرآن کریم تأمین نفقه را حق زن و تکلیف مرد قرار داده است، حتی اگر زن دارای درآمد مستقل باشد. فلسفه نفقه بر پایه تأمین نیازهای زن و جلوگیری از نیازمندی مالی استوار است. تحقیقات فقهی نیز نشان می دهند که نفقه وجوبی





غیرتعبدی است که با مقتضیات عقلایی «عوض احتباس» (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۳۰۶؛ شوشتری، ۱۴۰۶: ۹/۱۲۴) و «احتیاج» (جبران زیان و نیاز واقعی) توجیه می‌شود و هنگامی که زن بی‌نیاز (مستقل) شود، فلسفه حکم تغییر می‌یابد اصولاً این تکلیف، نه تابع توانایی مرد بلکه تابع نیاز زن است. (آملی، ۱۴۰۶: ۵/۱۸۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵/۲۹۸)

در آیه شریفه ذیل به بحث نفقه پرداخته شده و چنین می‌فرمایند: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ... وَبِمَا أَنْفَقُوا» (نساء: ۳۴). در این آیه قوامیت مرد به معنای سلطه یا برتری نیست، بلکه برپایه مسئولیت مالی و نقش اقتصادی وی در خانواده استوار است. مرد مسئولیت تأمین مالی خانواده را برعهده دارد و این مسئولیت موجب حفظ کرامت و استقلال زن می‌شود، نه ایجاد وابستگی یا سلطه.

براساس تفاسیر، عبارت «بِمَا أَنْفَقُوا» صراحت دارد که قوامیت مرد نه به دلیل برتری ذاتی، بلکه ناشی از مسئولیت اقتصادی و تعهد مالی او در قبال خانواده است. در این چارچوب، زن در موقعیت دریافت‌کننده نفقه، دارای مقام و احترام ویژه است؛ نه به عنوان تابعی از مرد، بلکه به مثابه صاحب حق مستقل و واجب‌الاحترام. آیه‌ی فوق اشاره به حقوقی دارد که خدا برای زنان در نظر گرفته است؛ یعنی انجام مسئولیت‌ها و وظایف زن متقابل است و در برابر آن از حقوقی الهی برخوردار است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴/۱۱۷)

از منظر فقه شیعه نیز وجوب نفقه با انعقاد عقد تحقق می‌یابد و شرط تحقق آن تمکین مطلق نیست؛ چنان‌که صاحب جواهر تصریح می‌کند که استحقاق نفقه به صرف عقد، مستقر می‌شود مگر در مواضع خاص شرعی که نشوز محرز شود. (پارسا، ۱۳۸۱). همچنین، حتی اگر زن دارای دارایی شخصی و استقلال مالی باشد، تکلیف پرداخت نفقه از شوهر ساقط نمی‌شود، مگر با رضایت صریح زن.

ارث: در دوران جاهلیت، زنان از ارث محروم بودند و ارث تنها به مردانی می‌رسید که توانایی جنگیدن داشتند. قرآن کریم با انقلابی در نظام حقوقی، حق ارث را برای زنان به رسمیت شناخت. آیه ۷ سوره نساء با صراحت می‌فرماید: «الرِّجَالُ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ

الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ...» (مردان را از آنچه پدر و مادر... و زنان را نیز از آنچه پدر و مادر... بهره‌ای است...) این آیه، سهم زن را در ارث مشخص کرده و با هرگونه محرومیت او مقابله می‌کند.

۲.۶. مباحث غیرمالی: احیای آزادی و کرامت انسانی

این دسته از احکام با هدف مقابله با سنت‌های ظالمانه دوران جاهلیت، کرامت و آزادی زن را در بستر روابط زناشویی احیا کردند.

طلاق: در جامعه پیش از اسلام، مرد می‌توانست به صورت نامحدود و بدون در نظر گرفتن حقوق زن، او را طلاق دهد. قرآن با تعیین محدودیت برای طلاق (بقره: ۲۲۹)، این روند را به یک فرآیند حقوقی و اخلاقی تبدیل کرد و از بلا تکلیفی و تزییع حقوق زن جلوگیری نمود.

ایلاء وظهار: این دو روش، ابزارهایی برای بلا تکلیف نگه داشتن زن بودند. اسلام با وضع احکام قاطع، آن‌ها را باطل اعلام کرد:

ایلاء: این عمل که سوگند مرد بر ترک روابط زناشویی با همسر خود بود، زن را در شرایط «نه شوهر دارد و نه آزاد است» قرار می‌داد. قرآن با محدود کردن این سوگند به چهار ماه، زن را از بلا تکلیفی نجات داد: «لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ...» (بقره: ۲۲۶).

ظهار: مرد با گفتن «تو برای من مانند مادرم هستی»، زن را از حقوق همسری محروم می‌کرد؛ قرآن کریم این عمل را سخنی ناپسند و دروغ دانست و برای آن کفاره سنگین قرار داد (مجادله: ۲ و ۳). این حکم به وضوح نشان می‌دهد که اسلام، هویت مستقل و کرامت حقوقی زن را از هرگونه تحقیر حفظ می‌کند.





۷. تحلیل تفسیری آیات فقهی مربوط به آزادی و کرامت حقوقی زن در قرآن کریم (با تأکید بر روابط زوجین)

در نظام حقوقی اسلام، کرامت زن به عنوان اصل بنیادین در احکام متعدد شریعت مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم با اصلاح ساختارهای ناعادلانه اجتماعی در دوره جاهلیت، کوشیده است کرامت و آزادی حقوقی زن را در عرصه‌های مختلفی چون ازدواج، ارث، مالکیت و معاشرت‌های خانوادگی تضمین نماید.

۱.۷. لغو ارث‌بری اجباری زنان: تأکید بر حق انتخاب و کرامت انسانی

یکی از بارزترین جلوه‌های صیانت از آزادی زن در قرآن، لغو سنت رایج در عصر جاهلیت مبنی بر ارث‌بری اجباری زنان است. که در این خصوص قرآن کریم چنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا...» (نساء: ۱۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، برای شما حلال نیست که زنان را با کراهت آنان به ارث ببرید.

این آیه که در زمینه‌ی سلب مالکیت و ازدواج اجباری زنان بیوه توسط بازماندگان شوهر در عصر جاهلی نازل شده است، نه تنها یک نهی فقهی محسوب می‌شود، بلکه حاوی پیام تفسیری عمیق درباره شأن انسانی و حق انتخاب زنان است.

لذا این آیه سنت جاهلی مبنی بر ارث‌بری اجباری زنان را لغو کرده است. مفسران تأکید دارند این حکم ریشه ظلم ساختاری را هدف گرفته است و استقلال انتخاب زن در ازدواج و وراثت را تضمین می‌کند. و این آیه را دال بر نفی هرگونه سلطه غیراخلاقی و غیرشرعی بر تصمیمات ازدواج زنان می‌دانند.

منظور از «ارث النساء کرها» نهی از سنتی است که در آن، زن همچون مال الارث تلقی می‌شد و از ازدواج آزادانه بازداشته می‌شد از این جهت، اسلام دستور داد که باید زن در ازدواج خود آزاد باشد و با نهی به ارث بردن اجباری زن، در حقیقت از جلوگیری از ازدواج او نهی کرد؛ زیرا ارث، مراد اصلی و جلوگیری از ازدواج، تنها وسیله دستیابی به این هدف بوده است. (مغنیه، ۱۳۸۶: ۲/ ۴۴۶) لذا این آیه شریفه با رد رسم غلط جاهلی و آزادی دادن به زن در امر ازدواج جایگاه و کرامت انسانی زنان را یادآور شده است و در نتیجه

آزادی انتخاب زن در ازدواج و استقلال او از وراثت ناخواسته، به عنوان کرامت حقوقی لحاظ شده است. همچنین در التفسیر المبین آمده: با زن همانند کالا رفتار نکنید که او را همچون ارث، در اختیار و تملک خود بگیرید؛ چنان که در دوران جاهلیت معمول بود. (مغنیه، ۱۳۸۶: ۱۰۱/۱)

این جمله ناظر به نقد صریح یکی از سنت های رایج در عصر جاهلیت است که در آن، زن نه به عنوان انسان برخوردار از کرامت و اراده مستقل، بلکه همچون شیء مادی محسوب می شد و میان ورثه تقسیم یا تملک می شد. در واقع این نهی قرآنی، تحولی بنیادین در نگاه به زن ایجاد می کند؛ از یک سو با ابطال تملک زن به عنوان میراث، استقلال و کرامت انسانی او را تثبیت می نماید و از سوی دیگر با حذف ساختارهای جاهلانه، جایگاه زن را به عنوان صاحب حق در نظام خانوادگی و اجتماعی اسلام بازتعریف می کند.

این آیه مبنای محکم آزادی زن در انتخاب همسر و رد هرگونه اکراه، اجبار یا سلب استقلال در تصمیم گیری های زندگی زناشویی است. به همین سبب، فقهای امامیه و اهل سنت، اجبار زن به ازدواج را فاقد اعتبار شرعی دانسته و شرط صحت عقد را «رضایت کامل» زن می دانند.

بر مبنای آیات و تفاسیر مورد بررسی، اصول بنیادین آزادی و کرامت زن در قرآن کریم، بازتاب رویکردی مبتنی بر عدالت، اخلاق و کرامت زن در چارچوب تشریع اسلامی می باشند و از نمونه های دیگر وضع احکام برای حفظ کرامت انسانی زن می باشد.

۲.۷. ممنوعیت ایلاء و تحدید مدت آن در راستای حفظ کرامت زن

از دیگر جلوه های توجه قرآن کریم به حفظ کرامت زن و جلوگیری از ظلم ساختاری به وی، محدودسازی و ضابطه مند نمودن حکم ایلاء است؛ عملی که در نظام اجتماعی جاهلی، به عنوان ابزاری برای تعلیق طولانی مدت حقوق همسر بدون الزام به طلاق یا ادامه زندگی مشترک، موجب فشار مضاعف بر زنان می شد. در این راستا، قرآن کریم با



تشریع حکمی خاص، این رفتار را مقید به مدتی مشخص ساخته و بدین وسیله از تعلیق مبهم و طولانی مدت وضعیت حقوقی زن جلوگیری نموده است: «لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (البقرة: ۲۲۶)

برای کسانی که بر ترك آمیزش با زنانشان، قسم می خورند، چهار ماه مهلت مقرر است، پس اگر برگشتند، [مورد عنایت خدا خواهند بود]، همانا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

از رسوم و عادات متعدیانه عرب نسبت به حقوق زن، بیش از طلاقیهای بی قید و شرط، ایلاء وظهار بوده: با سوگندی یا گفتن: «انت علی کظهرامی تو بر من چون پشت مادرم می باشی» زن را برای مدتی محدود یا نامحدود از حق زناشویی و دیگر حقوق محروم میداشتند. در این آیات پس از بیان سوگند تعهدآور، حکم ایلاء را که نوعی سوگند است محدود می نماید. و سپس در این آیات و آیات سوره طلاق، احکام اعجاز آمیز و دقیق طلاق تبیین شده و آیات اول سوره مجادله، پس از آنکهظهار را به گفتاری منکرو زور توصیف مینماید، رسم جاهلیتظهار را نفی نموده و بر کسی که به آن برگردد کفاره «آزادی بنده و یا دو ماه روزه متوالی و یا اطعام شصت بینوا» مقرر فرموده است. تربص، که به معنای درنگ و خودداری است، بی امر و تعلق: «لیتربصوا، یا لیتربصن» آمده، تا هم شامل حکم اختیاری مرد ایلاء کننده و هم حکم اجباری زن محروم شده، شود: مرد میتواند و زن باید در مدت چهار ماه، درنگ و خودداری کند. تا در این مدت اگر انگیزه خشم و ایلاء گذرا بوده، بگذرد و مرد و زن بهم باز گردند و زندگی از سر گیرند. و گرنه، زن باتکاء قدرت حاکم، مرد را وادار به رجوع یا طلاق می نماید و اگر سرپیچی کند، حاکم اسلامی میتواند بازداشتش نماید. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۴۲/۲)

لذا در دوران جاهلیت دو پدیده ایلاء وظهار از جمله ابزارهای سلطه مردان بر زنان بودند که با توسل به آنها، زن بدون طلاق از حقوق زناشویی و اجتماعی خود محروم می گردید. ایلاء با سوگند به ترك رابطه زناشویی، وظهار با تشبیه همسر به محارم نسبی (نظیر مادر)، نوعی حبس حقوقی زن را در پی داشت. قرآن کریم با صدور حکم

تفسیری-فقهی در باب ایلاء، این رویه ناعادلانه را مقید ساخت و با تعیین بازه چهار ماهه، مرد را میان بازگشت یا طلاق مکلف به تصمیم‌گیری روشن کرد. برخورد اسلام با روش جاهلی ایلاء و دیگر خرافات جاهلی عرب، ما را متوجه این حقیقت می‌کند که قرآن کریم تحت تأثیر عناصر غلط فرهنگ زمانه خود قرار نگرفته، بلکه آنها را اصلاح نموده و با خرافات و موهومات عرب جاهلی برخورد کرده و آنها را از صحنه اجتماع بشر دور ساخته است. آری، برچیدن بساط سنت‌های خرافی و جاهلی یکی از اهداف و وظایف پیامبران الهی است. این آیات از آیاتی است که از حقوق زنان در برابر مردان ستمگر و کج‌اندیش حمایت می‌کند. قرآن بارها حمایت خویش را از بانوان آشکار کرده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲/۲۰۳)

کاربرد واژه‌ی "تربص" که دلالت بر درنگ، انتظار و خودداری دارد، در این آیه علاوه بر مرد، وضعیت زن را نیز دربرمی‌گیرد؛ بدین معنا که زن، به حکم تعلیق موقت رابطه، برای مدت مقرر، در حالت انتظار باقی می‌ماند، اما این تعلیق، برخلاف شیوه‌های جاهلی، نه مطلق و نامحدود، بلکه محدود و قانونمند شده است. لذا مفسران تصریح کرده‌اند که اگر پس از مدت مقرر، مرد از سوگند خود بازنگردد و حاضر به طلاق نیز نشود، حاکم شرع با اعمال اختیارات قضایی، می‌تواند وی را به یکی از دو مسیر الزام نماید: رجوع یا طلاق. (طالقانی، ۱۴۱/۱۳۶۲: ۲)

در نتیجه ضابطه‌مند کردن ایلاء در راستای پاسداشت کرامت زن، جلوه‌ای از توجه قرآنی به مهار استبداد خانوادگی و ایجاد تعادل حقوقی در روابط زن‌ناشویی است. زنی که در سنت جاهلی به حال تعلیق دائمی درمی‌آمد، اکنون با مهلتی شرعی و تعیین تکلیف الزام‌آور برای مرد، از سردرگمی و معلق‌بودگی‌های می‌یابد. این حکم قرآنی نه تنها ناظر به حمایت از حقوق فردی زن، بلکه تأکیدی بر برقراری عدالت در نهاد خانواده است؛ چنان‌که تأخیر در رجوع یا طلاق، موجب ورود نهاد حاکمیتی و قضاوت شرعی می‌شود. به این ترتیب آیه‌ی ۲۲۶ سوره‌ی بقره را می‌توان به مثابه تجلی فقهی یکی از اصول بنیادی نظام حقوق زن در قرآن دانست. پایان دادن به تعلیق حقوقی و الزام به





تصمیم‌گیری مسئولانه؛ که خود از نمودهای برجسته کرامت‌بخشی به زن در شریعت اسلام است.

۳.۷. لغو حکم و اثر حقوقی ظهار و تثبیت کرامت زن در نظام شرع

از دیگر مصادیق اصلاحات بنیادین قرآن کریم در حمایت از شأن و کرامت زن، نسخ و ابطال عرف جاهلی ظهار است. ظهار از جمله سنن ناعادلانه در جامعه عرب پیش از اسلام بود که طی آن مرد، همسر خود را با گفتن عبارتی نظیر "أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي" (بروجردی، ۱۳۶۶: ۸۱/ ۷) که یعنی تو نسبت به من حرام هستی مانند مادرم (حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۱۶/ ۲۱۴) به طور نمادین در حکم مادر خود قرار داده و او را برای همیشه بر خود حرام می‌دانست، بدون آنکه طلاق شرعی صورت گرفته باشد. این جمله در زمان پیش از اسلام بمنزله طلاق بوده (امین، ۱۳۶۱: ۵/ ۱۷۵) که قرآن کریم با تبیین این مسئله آن را رد و ابطال نموده است. این مسئله در ابتدای سوره مبارکه مجادله چنین ذکر شده است:

«الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْكُم مِّن نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ» (مجادله: ۲) کسانی از شما که زنان خود را «ظهار» می‌کنند آنان مادرانشان نیستند مادرانشان تنها کسانی اند که آنان را زاییده اند، و قطعاً آنان سخنی زشت و باطل می‌گویند، و یقیناً خدا بسیار باگذشت و آمرزنده است و کسانی که زنانشان را ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته اند برمی‌گردند، باید پیش از آن که با هم آمیزش کنند، بنده ای آزاد سازند این چیزی است که به وسیله آن پند داده می‌شوید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

در واقع ظهار ابزاری برای محروم‌سازی زن از حقوق زناشویی و معلق نگاه داشتن او در فضای مبهمی میان طلاق و زوجیت بود؛ بدون اینکه زن راه روشنی برای احقاق حقوق خود داشته باشد. قرآن کریم در نخستین آیات سوره‌ی مجادله، این پدیده را با قاطعیت رد کرده و آن را «منکر» و «زور» می‌نامد.

این آیه با اعلام اینکه همسر به صرف لفظظهار، مادر محسوب نمی شود، بنیاد فقهی این سنت جاهلی را از ریشه فرو می ریزد. از منظر قرآن مادر بودن جایگاهی طبیعی و غیرقابل جعل است که صرف تشبیه لفظی نمی تواند آن را ایجاد کند. علامه طباطبایی نیز با اشاره به همین نکته تصریح می کند کهظهار نه تنها سبب تحریم زن بر شوهر نمی شود، بلکه از نظر شرعی، فاقد اثر طلاق یا هرگونه منع دائم است. (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۱۷۱/۱۹)

قرآن در ادامه برای مردانی کهظهار کرده و سپس پشیمان می شوند، کفارات مشخصی در نظر می گیرد: «وَالَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا...» (مجادله: ۳) «و کسانی که نسبت به همسران خودظهار می کنند، سپس از گفته ی خود باز می گردند، باید پیش از آمیزش برده ای را آزاد سازند...»

همچنین در سوره مبارکه احزاب بر مذمومیت این مهم تاکید شده است: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَم قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ» (احزاب: ۴)

رابطه ی پدر و مادر با فرزند، يك رابطه ی حقیقی و طبیعی است نه تشریفاتی و قراردادی. نه همسر، مثل مادر می شود و نه فرزند خوانده، فرزند می شود. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۲۹ / ۹)

این ترتیبات افزون بر ابطال آثارظهار، مسئولیت پذیری مرد در قبال سخن خویش و نیز جبران تخلف اخلاقی و حقوقی وی را مورد توجه قرار می دهد. مکلف ساختن مرد به پرداخت کفاره، نشانه ای از اهتمام شریعت به برقراری توازن حقوقی و مقابله با سوءاستفاده از ساختار قدرت در خانواده است. افزون بر آن، وجود مراتب کفارات (آزادی برده، روزه دو ماه متوالی، یا اطعام شصت مسکین) ابعاد تربیتی، اجتماعی و اقتصادی این حکم را نیز نمایان می سازد.ظهار تأثیری در زندگی زناشویی ندارد و همسر را مادر





نمی‌گرداند، بلکه کاری خرافی است؛ لذا اسلام و قرآن سنت‌های خرافی و غلط فرهنگ زمانه را نمی‌پذیرد و با آنها برخورد می‌کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰ / ۲۴۷)

بنابراین لغو اثر شرعی ظهار و الزام به کفاره، نه صرفاً اصلاح یک ناهنجاری زبانی، بلکه گامی در راستای تثبیت منزلت حقوقی زن، محدود کردن اختیارات مطلق مرد و جلوگیری از به تعلیق انداختن زندگی زن‌اشویی بدون پیامد حقوقی است. این تدبیر قرآنی در امتداد سیاست‌های حقوقی اسلام برای پاسداشت کرامت زن و صیانت از ساختار خانواده قرار دارد و بیانگر آن است که در نظام شریعت، زن نه موضوع اراده مطلق مرد، بلکه طرفی دارای حق، کرامت و ضمانت قضایی است.

لذا قرآن کریم این رسم را به شدت منع کرده و کفاره و قانون مواجهه با آن را وضع فرموده است؛ زیرا ظهار نوعی تحقیر و حذف حق زن بوده که واجد کفاره‌ای سنگین (آزادسازی بنده یا روزه یا اطعام شصت بینوا) گردیده است. این اقدام قرآن، عزت و استقلال حقوقی زن را تثبیت کرد و آثار مظلومیت جاهلی را زدود. بنابراین این کفاره نشان‌دهنده تأکید اسلام بر امنیت روانی، اجتماعی و حقوقی زن است، نه صرفاً یک تذکر اخلاقی.

در محور تحلیل تفسیری آیات فقهی مرتبط با آزادی و کرامت حقوقی زن در قرآن کریم، مشخص شد که احکام مزبور جزء «اصلاحات اساس دار» اسلام علیه ساختارهای ظلم‌آلود جاهلی هستند. این احکام، زن را در چارچوب نظام حقوقی گسترده‌ای قرار می‌دهند که استقلال، امنیت و منزلت او را تثبیت می‌کند.

۹. تحلیل و جمع‌بندی

بررسی تحلیلی-تفسیری آیات فقهی قرآن کریم در حوزه حقوق زن به وضوح نشان می‌دهد که اسلام از همان آغاز با رویکردی انسان‌محور و اصلاح‌گرا، نظامی جامع برای بازتعریف جایگاه زن در جامعه انسانی ارائه کرده است. این نظام بر پایه کرامت ذاتی انسان، برابری در اصل آفرینش و عدالت در روابط اجتماعی استوار است و هرگونه تبعیض

جنسیتی را در ارزش بنیادین انسانی رد می‌کند. قرآن کریم با نقض سنت‌های جاهلی از جمله ارث‌بری اجباری زنان، محرومیت از مالکیت، طلاق‌های بی‌قید و شرط، ایلاء وظهار، نه تنها حقوق زن را بازیابی کرده، بلکه آن‌ها را در قالب تکالیف شرعی موجه و حقوق تضمین‌شده، به‌صورتی ساختاری و پایدار در نظام حقوقی اسلام جای داده است. این احکام بر اساس مسئولیت اخلاقی و حقوقی مرد در قبال زن و برای تأمین استقلال، امنیت و عزت نفس او تشریع شده‌اند. مهریه به‌عنوان حقی مالی و معنوی، تضمینی برای استقلال اقتصادی زن محسوب می‌شود. نفقه نیز بیانگر قوامیت مسئولانه مرد در چارچوب تکلیف مالی است که با هدف حفظ کرامت زن و جلوگیری از نیازمندی‌های اقتصادی او وضع شده است. همچنین آزادی زن در انتخاب همسر، حق او در ارث و ممنوعیت هرگونه اکراه در ازدواج، همگی بیانگر این حقیقت هستند که قرآن زن را صاحب حق و موجودی ذی‌استقلال می‌داند. در حوزه روابط زناشویی نیز محدودیت‌های قرآنی برای ایلاء و لغو اثر شرعیظهار، نشان‌دهنده توجه ویژه شریعت به منزلت زنان است. این احکام زن را از وضعیت معلّق‌ماندن در روابط نامشخص رها می‌کند و حق او را در تعیین تکلیف حقوقی و اجتماعی تضمین می‌نماید. در نهایت می‌توان گفت نظام حقوقی قرآن با ترکیبی از اصول انسان‌شناختی، اصول اخلاقی و احکام فقهی، چارچوبی جامع برای آزادی، کرامت و استقلال زن فراهم کرده است.





منابع

قرآن کریم

۱. امین، نصرت بیگم. (۱۳۶۱ش). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. تهران: ایران: نهضت زنان مسلمان.
۲. آملی، میرزا هاشم، (۱۴۰۶ق)، المعالم ماثوره، قم: مولف الكتاب.
۳. بروجردی، محمدابراهیم (۱۳۶۶ش) تفسیر جامع، تهران - ایران: کتابخانه صدر.
۴. اصفهانی، محمدعلی، و جمعی از پژوهشگران قرآنی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. ۲۴ ج. قم - ایران: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۵. بختیار، مریم و رضایی، اکرم، (۱۳۹۱). «بررسی مقام و جایگاه زن در اسلام و مسیحیت»، نشریه زن و فرهنگ، پیاپی ۱۱، ۶۱-۷۳.
۶. پارسا، فروغ، (۱۳۸۱). مباحثی در حقوق زوجه (حق مهریه - حق نفقه) بنا بر فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت.
۷. حسینی همدانی، محمد، و بهبودی، محمدباقر. (۱۳۸۰ش). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تهران: ایران: لطفی.
۸. حیدری، حسن و ابراهیمی نسب، یوسف، (۱۳۸۹). «جایگاه زن در گذر تاریخ و سیری در حقوق آن»، نشریه نشریه زن و فرهنگ «شماره ۵، ۷۱-۸۴.
۹. خان محمدی، کریم، (۱۳۷۸)، «تفکرات نظری پیرامون تنزل جایگاه زنان در جوامع اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره: ۲، شماره: ۳، ۱۶۴-۱۸۵.
۱۰. شوشتری، محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، النجعه فی شرح اللمعه، تهران: کتابفرشی صدوق.
۱۱. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲-۱۳۵۸ش). پرتوی از قرآن. تهران - ایران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۵۲-۱۳۵۱ش). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت - لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، بلاغی، محمدجواد، رسولی، هاشم، امین، محسن، یزدی طباطبایی، فضل الله، و رضا، احمد. (۱۴۰۸). مجمع البیان. بیروت - لبنان: دار المعرفة.

۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، رسولی، هاشم، مسترحمی، هدایت الله، میرباقری، ابراهیم، صحت، علی، شریف رازی، محمد، و دیگران. (۱۳۵۰-۱۳۵۱ ش). ترجمه تفسیر مجمع البیان. تهران - ایران: فراهانی.

۱۵. طباطبایی، محمد حسین با ترجمه موسوی، محمد باقر. (۱۳۷۸ ش). تفسیر المیزان (ترجمه). بی جا: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. فتاحی زاده، فتحیه، (۱۳۸۶). « زن در تاریخ و اندیشه اسلامی»، قم، موسسه بوستان کتاب.

۱۷. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. ۱۰ ج. تهران - ایران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.

۱۸. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مومن، (۱۴۲۳ ق)، کفایه الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۹. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۵-۲۰۰۴). التفسیر المبین. ۱ ج. قم - ایران: دارالکتاب الاسلامی.

۲۰. مغنیه، محمدجواد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. شعبه خراسان، و دانش، موسی. (۱۳۸۶ ش). تفسیر کاشف. قم - ایران: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

۲۱. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. ج ۷، بیروت؛ دار احیاء تراث العربی.



